

تحلیل علل عدم ایفای کامل وظایف قانونی توسط دادستان‌ها در ایران

چکیده

نقش دادستان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، در چهارچوب اصول قانون اساسی و قوانین عادی، جایگاهی محوری و اساسی در تحقق عدالت و حمایت از حقوق عمومی دارد. با این حال، در عمل مشاهده می‌شود که دادستان‌ها در بسیاری از حوزه‌ها از ایفای وظایف خود بر اساس قوانین مصوب امتناع یا قصور دارند. این مقاله با هدف واکاوی ابعاد این مشکل، ابتدا به بررسی جایگاه قانونی دادستان، وظایف قانونی وی، سپس علل و عوامل موثر بر عدم اجرای این وظایف و نهایتاً ارائه راهکارهای اصلاحی می‌پردازد. تحلیل این موضوع نشان می‌دهد که عواملی همچون ضعف ساختاری، عدم استقلال، فشارهای سیاسی و نهادینه نبودن فرهنگ پاسخگویی از مهم‌ترین موانع ایفای وظایف قانونی دادستان‌ها هستند.

مقدمه

دادستان به عنوان نماینده جامعه و حافظ حقوق عمومی، وظایف خطیری در ساختار قضایی دارد. مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، وظایف قوه قضاییه شامل کشف جرم، تعقیب مجازات مجرمین، احیای حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم است. نقشی که بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری، به ویژه در مواد ۱۱، ۳۰، ۴۴، ۹۱، ۹۲ و تبصره ماده ۲۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، بر عهده دادستان گذاشته شده است. با وجود تصریح قانون، عملکرد عملی نهاد دادستانی در مواجهه با تخلفات اداری، جرائم اقتصادی، زمین‌خواری، و تضییع بیت‌المال، در بسیاری از موارد ناکارآمد بوده است.

بخش اول: جایگاه و وظایف قانونی دادستان

۱- اصل ۱۵۶ قانون اساسی: قوه قضاییه وظیفه کشف جرم، تعقیب مجرم، اجرای حدود و احیای حقوق عامه را برعهده دارد.

۲- ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری: دادستان مسئول تعقیب جرائم عمومی است.

۳- ماده ۲۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب: در مواردی که به حقوق عمومی مربوط می‌شود، دادستان باید رأساً وارد رسیدگی شود.

۴- ماده ۴۴ همان قانون: دادستان موظف به نظارت بر ضابطان دادگستری و تضمین رعایت حقوق متهم و شاکی است.

۵- مواد ۹۱ و ۹۲: نظارت بر وضعیت بازداشتگاه‌ها و شرایط نگهداری افراد بازداشت‌شده.

بخش دوم: علل عدم ایفای وظایف قانونی توسط دادستان‌ها

در این بخش، به بررسی ساختاری، اداری، سیاسی و فرهنگی دلایل عدم ایفای کامل وظایف قانونی دادستان پرداخته می‌شود:

الف) ضعف استقلال ساختاری: در نظام قضایی ایران، دادستان‌ها تابع سلسله مراتب قضایی هستند و استقلال عملی در مواجهه با نهادهای صاحب‌نفوذ ندارند. در مقایسه با مدل فرانسه که دادستان استقلال حرفه‌ای دارد، مدل ایران تمرکزگراتر و سیاسی‌تر است.

ب) فشارهای سیاسی و امنیتی: در برخی پرونده‌ها به ویژه پرونده‌های مربوط به زمین‌خواری، تخلفات نهادهای دولتی و پرونده‌های دارای حساسیت سیاسی، دادستان‌ها از ورود خودداری می‌کنند.

ج) ضعف نظام پاسخ‌گویی: تاکنون هیچ سازوکار قانونی برای گزارش‌دهی عمومی و دوره‌ای دادستان‌ها در خصوص ترک فعل‌ها پیش‌بینی نشده است.

د) ناهماهنگی با ضابطان قضایی: بسیاری از ضابطان دادگستری از جمله نیروهای امنیتی و انتظامی، در مواردی از دستورات دادستان تمکین نمی‌کنند که این امر موجب تضعیف موقعیت دادستان در عمل می‌شود.

ه) بار سنگین کاری و عدم توازن در تخصیص منابع: تراکم پرونده‌ها و کمبود نیروی انسانی متخصص در دادرها، سبب شده که دادستان‌ها نتوانند وظایف خود را به طور دقیق انجام دهند.

بخش سوم: پیامدهای ناشی از عدم ایفای وظایف قانونی

۱- افزایش بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نظام قضایی.

۲- گسترش فساد و تخلفات اداری در نهادهای دولتی.

۳- تخریب محیط زیست، اراضی ملی و منابع طبیعی به دلیل عدم ورود دادستان در مقام مدعی‌العموم.

۴- تضعیف حاکمیت قانون و رشد قانون‌گریزی.

۵- تزلزل در حمایت از حقوق عامه، از جمله در حوزه خدمات عمومی، بهداشت، آموزش و اموال عمومی.

بخش چهارم: راهکارهای اصلاحی

- ۱- اصلاح قوانین مربوط به استقلال دادستان و تدوین قانون خاص مانند مدل کشورهای اروپایی.
۲. ایجاد سامانه شفاف گزارش‌دهی عمومی برای ارزیابی عملکرد دادستان‌ها.
- ۳- تقویت نظارت سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری بر عملکرد دادستان‌ها.
- ۴- پیش‌بینی ضمانت اجرایی برای ترک فعل دادستان، مشابه ترک فعل مسئولان اجرایی در قانون مسئولیت مدنی.
- ۵- ارتقاء آموزش حرفه‌ای دادستان‌ها با تأکید بر اصول حقوق بشر و حقوق عمومی.

نتیجه‌گیری

بررسی علل عدم ایفای وظایف دادستان‌ها در ایران نشان می‌دهد که مشکل بیش از آنکه شخصی باشد، ساختاری و نهادی است. وابستگی دادستان به سلسله مراتب قوه قضاییه، فشارهای سیاسی، عدم استقلال در پیگیری، نبود پاسخگویی عمومی و فقدان شفافیت، از مهم‌ترین موانع ایفای وظایف قانونی هستند. رفع این موانع، نیازمند اصلاح ساختاری در قوانین و فرهنگ قضایی کشور است.

منابع

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۷۴.
 ۲. قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، مواد ۱۱، ۳۰، ۴۴، ۹۱، ۹۲.
 ۳. قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی.
 ۴. قانون نظارت سازمان بازرسی کل کشور، مصوب ۱۳۸۷.
 ۵. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تحلیل ساختار قضایی کشور، ۱۴۰۰.
 ۶. منابع تطبیقی : Comparative study of prosecutorial independence in France and Germany, EJLR ۲۰۲۱.
 ۷. مقاله: ترک فعل در حقوق کیفری ایران، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۵۵، ۱۳۹۹.
- نویسنده: محمدرضا صادقی نیای رودسری